

فهرست مطالب

| صفحه | عنوان |
|------|---|
| ۱ | مقدمه |
| ۳ | فصل اول: فیلسوفان پیش از سقراط / دکتر ملیحه صابری |
| ۳ | مقدمه: هومر و جهان اساطیری پیش از ظهور فلسفه |
| ۴ | اخلاق ایدئال در نگاه هومر |
| ۵ | تصویر کلی جهان از نگاه هومر |
| ۶ | تالس و تولد فلسفه |
| ۹ | آب، ماده‌المواد |
| ۱۰ | اهمیت تالس |
| ۱۱ | آناکسیماندر |
| ۱۲ | معضل تغییر |
| ۱۲ | جهان‌های بی‌شمار |
| ۱۳ | اهمیت آناکسیماندر |
| ۱۳ | آناکسیمنس |
| ۱۴ | مسئله تغییر |
| ۱۵ | اهمیت آناکسیمنس |
| ۱۵ | فیثاغورس و فیثاغوریان |
| ۱۸ | ریاضیاتی بودن جهان واقعیت |
| ۱۹ | نظام کائنات |
| ۲۰ | اهمیت فیثاغوریان |
| ۲۰ | کسنوفانس |
| ۲۲ | هراکلیتوس |
| ۲۳ | عقل، راهی به سوی دانش |
| ۲۳ | واقعیت: تغییر و نزاع |
| ۲۴ | وحدت اضداد |
| ۲۴ | آتش |
| ۲۵ | اهمیت هراکلیتوس |
| ۲۵ | پارمنیدس |
| ۲۶ | اندیشه‌ها |
| ۲۷ | هستی |

| صفحه | عنوان |
|------|---|
| ۲۸ | جهان متناهی است |
| ۲۹ | عقل در برابر حس |
| ۲۹ | زنون الثائی |
| ۳۰ | ابطال حقیقت‌نمایی حواس |
| ۳۱ | ابطال کثرت جهان |
| ۳۱ | پارادوکس حرکت |
| ۳۲ | بررسی نظر الثائیان |
| ۳۲ | امپدکلس |
| ۳۵ | آناکساگوراس |
| ۳۵ | اندیشه‌ها و آراء |
| ۳۷ | نوس: نیروی برانگیزنده |
| ۳۸ | اتمیسثا |
| ۳۸ | اندیشه‌ها و آراء اتمیسثا |
| ۴۰ | سوفسطائیان |
| ۴۱ | تحولات یونان |
| ۴۴ | پروتاگوراس |
| ۴۵ | گرگیاس |
| ۴۶ | ارزیابی و اهمیت سوفسطائیان |
| ۴۸ | فصل دوم: سقراط / دکتر ملیحه صابری |
| ۴۸ | مقدمه |
| ۵۰ | معرفت‌شناسی سقراط |
| ۵۰ | روش دیالکتیکی سقراط |
| ۵۲ | خودشناسی، عامل فضیلت |
| ۵۴ | تناسب فضیلت با معرفت و سعادت |
| ۵۵ | جاودانگی روح |
| ۵۶ | فلسفه سیاسی سقراط |
| ۵۷ | ارزیابی میراث سقراط |
| ۵۹ | فصل سوم: افلاطون / دکتر حمیده کوبک |
| ۵۹ | مقدمه |
| ۵۹ | زندگی‌نامه |
| ۶۰ | آثار |
| ۶۲ | نظریه معرفت |
| ۶۲ | معرفت ادراک حسی نیست |
| ۶۴ | معرفت صرفاً حکم (باور) صحیح نیست |
| ۶۵ | معرفت حکم (باور) صحیح موجه نیست |

| صفحه | عنوان |
|------|-------------------------------------|
| ۶۶ | معرفت حقیقی |
| ۶۶ | نظریه مُثُل یا صُور |
| ۶۸ | اثبات عالم مثال |
| ۷۳ | دیالکتیک |
| ۷۵ | طبیعیات (فیزیک) |
| ۷۷ | علم النفس |
| ۷۸ | اجزاء نفس |
| ۷۹ | جاودانگی نفس |
| ۸۲ | اخلاق |
| ۸۳ | خیر |
| ۸۴ | فضیلت |
| ۸۵ | سیاست |
| ۸۵ | حکومت فیلسوفان |
| ۸۶ | طبقات اجتماع |
| ۸۷ | ارزیابی فلسفه افلاطون |
| ۹۱ | فصل چهارم: ارسطو/دکتر حمیدرضا خادمی |
| ۹۱ | مقدمه |
| ۹۲ | زندگی نامه |
| ۹۳ | آثار |
| ۹۸ | منطق |
| ۹۹ | مقولات |
| ۱۰۰ | کلیات خمس |
| ۱۰۰ | قضیه |
| ۱۰۱ | استقراء |
| ۱۰۲ | قیاس |
| ۱۰۴ | برهان |
| ۱۰۵ | مابعدالطبیعه |
| ۱۰۶ | موضوع مابعدالطبیعه |
| ۱۰۷ | آموزه جوهر |
| ۱۱۰ | جواهر محسوس |
| ۱۱۲ | محرک لایتحرک |
| ۱۱۴ | علت های چهارگانه |
| ۱۱۵ | علم النفس |
| ۱۱۶ | قوای نفس |
| ۱۲۲ | تجرد نفس |
| ۱۲۳ | اخلاق |

| صفحه | عنوان |
|------|--|
| ۱۲۳ | نیکبختی |
| ۱۲۶ | فضیلت |
| ۱۲۸ | ارزیابی اهمیت فلسفه ارسطو |
| ۱۳۰ | فصل پنجم: فلسفه بعد از ارسطویی/دکتر حمیده کوکب |
| ۱۳۰ | مقدمه |
| ۱۳۱ | کلیون |
| ۱۳۲ | اپیکوریان |
| ۱۳۲ | منطق |
| ۱۳۳ | جهان‌شناسی |
| ۱۳۴ | اخلاق |
| ۱۳۵ | رواقیان |
| ۱۳۶ | منطق |
| ۱۳۷ | جهان‌شناسی |
| ۱۴۰ | اخلاق |
| ۱۴۳ | ارزیابی فلسفه رواقی |
| ۱۴۵ | فصل ششم: افلوپین/دکتر حمیده کوکب |
| ۱۴۵ | مقدمه: زندگی و آثار |
| ۱۴۷ | فلسفه نوافلاطونی |
| ۱۴۸ | جهان‌شناسی |
| ۱۴۸ | احد یا واحد |
| ۱۵۰ | عقل |
| ۱۵۱ | نفس |
| ۱۵۲ | ماده |
| ۱۵۳ | علم النفس |
| ۱۵۴ | طبقات نفوس |
| ۱۵۴ | سفر فیلسوف |
| ۱۵۵ | اخلاق |
| ۱۵۷ | ارزیابی فلسفه افلوپین |
| ۱۵۸ | کتاب‌نامه |
| ۱۶۲ | نمایه |

مقدمه

فلسفه با حیرت آغاز می‌شود، حیرت از مواجهه با هستی و فلسفه تلاش فیلسوفان برای درک و بیان حقایق هستی به زبان عقل است. تاریخ فلسفه نیز تاریخ سیر اندیشه بشر طی قرون و اعصار برای بیان حقیقت است، حقیقتی که در بسترهای تاریخی و جغرافیایی مختلف جلوه‌های گوناگونی یافته است. سنت‌ها و مکاتب فلسفی شرق حاصل جلوه‌گری حقیقت در ایران و مصر و هند و چین است و خاستگاه مکاتب فلسفی غرب یونان باستان است. آنگاه که فلسفه‌های یونان به سرزمین‌های امپراتوری روم رسید و با مسیحیت درآمیخت، جلوه دیگری یافت. پس از ظهور اسلام و گسترش جغرافیایی عظیم خلافت اسلامی، مسلمانان نیز همچون مسیحیان نخستین، ابتدا به دیده ظن و تردید به فلسفه نگریستند و سپس با جدیتی بیشتر، آن را به کار بستند و به سهم خود بسط دادند و قلمروهایی نو در آن گشودند. اما در قرون وسطای متأخر، فلسفه دوباره از سرزمین‌های اسلامی به جهان مسیحیت رجعت کرد و این سبب شکوفایی دیگری در فلسفه و این بار در اروپا شد که نهایتاً به ظهور فلسفه مدرن در قرن هفدهم انجامید. همزمان با رنه دکارت (۱۵۹۶-۱۶۵۰م)، که در اروپا پرچمدار فلسفه مدرن به حساب می‌آمد، در جهان اسلام نیز فلسفه با ابداعات ملاصدرا (۱۵۷۱-۱۶۴۰م) در مسیری جدید گام برداشت. اما از این زمان به بعد، این دو مسیر فلسفه‌ورزی، یعنی فلسفه‌ورزی در سنت فلسفی غرب و سنت فلسفی اسلامی، تقریباً در هیچ نقطه‌ای دوباره با هم تلاقی نکردند. هرچند اندیشمندان غربی در دوران معاصر شروع به مطالعه فلسفه جهان اسلام کردند و در جهان اسلام نیز فلسفه غرب با جدیت مطالعه شده است، هنوز این دو سنت، که در واقع ریشه مشترکی دارند و آن هم فلسفه یونان است، چونان دو پدیده کاملاً مجزا و متمایز نگریسته می‌شوند.

اما چرا تاریخ فلسفه می‌خوانیم؟ آیا می‌توان گفت دستاوردهای فلسفه مانند دستاوردهای علم برای ما مهم هستند و وقتی دیگران از نردبان تاریخ فلسفه بالا رفته‌اند و به حقیقت رسیده‌اند، دیگر نیازی به این نردبان داریم و کافی است تاریخ فلسفه را دور بریزیم و فقط حقایق نهایی فلسفه را بیاموزیم. اینجا نقطه‌ای است که پیش فرضی پنهان را درباره نگارش تاریخ فلسفه آشکار می‌کند و آن را از تاریخ علم متمایز می‌سازد. علم دارای تاریخ مصرف

است و پس از ابطال یافته‌های آن باید به دست فراموشی سپرده شود. اما فلسفه چیزی جز تاریخ فلسفه نیست. این طور نیست که حقیقت در انتهای مسیر ایستاده باشد و ما به آن برسیم، حقیقت در طول مسیر همواره خود را نمایان می‌کند و برای دیدن سیمای کاملش باید در کل مسیر چشم بر آن داشته باشیم. در این معنا فلسفه امری سیال و همواره در حرکت است که حقایق آن هرگز نهایی نیستند. بنابراین، تاریخ فلسفه نوشتن و تاریخ فلسفه خواندن در واقع نگاه ما به حقیقت فلسفی را نیز آشکار می‌سازد. اگر چنین نگاهی به حقیقت فلسفی داشته باشیم، آنگاه روشن است که برای فهم فلسفه اسلامی و اساساً برای فلسفه‌ورزی در جهان امروز لازم است که با فلسفه در دوره باستان آشنا باشیم، چون فلسفه باستان ریشه مشترک فلسفه جهان اسلام و فلسفه مسیحیت و مکاتب مدرن و فلسفه معاصر است.

محتوای کتابی که پیش روی شماست درباره جلوه‌های حقیقت در دوره باستان است. سیر اندیشه‌های فلسفی را از زمانی آغاز می‌کند که فیلسوفان پیشاسقراطی در دولت‌شهرهای یونانی در پی فهم طبیعت و بر ساختن فلسفه‌های طبیعی بودند. سپس به سقراط می‌رسد که فهم طبیعت را و نهاد و قدم در راه فهم انسان و جامعه انسانی گذاشت، از فضیلت و عشق و شجاعت سخن گفت و تلاش کرد انسان‌ها را نه با حقیقت، بلکه با جهل خویش آشنا سازد، با این اندرز رازآمیز که بزرگ‌ترین حقیقت درباره انسان‌ها نادانی‌شان است. پس از آن نوبت به افلاطون و ارسطو می‌رسد که آنچه تا قرن‌ها تحت عنوان فلسفه و در مقولاتی چون اخلاق و منطق و متافیزیک و سیاست خوانده و آموخته می‌شد را به راستی بنیان گذاشتند، چنان که به درستی باید بخش بزرگی از تاریخ فلسفه را صرفاً شرح و بسط ایده‌های این دو فیلسوف بزرگ دانست. در انتها نیز گسترش و جرح و تعدیل‌های اندیشه‌های افلاطون و ارسطو در مکاتب فلسفی بعدی دوره باستان، چون رواقیان و اپیکوریان و کلیبان، شرح داده می‌شود، و البته فلسفه افلوپین که به ویژه در جهان اسلام، هم در فلسفه و هم در عرفان، نقشی تعیین‌کننده بازی کرد.

تاریخ فلسفه غرب (ویژه دانشجویان فلسفه اسلامی) سه مجلد را در بر می‌گیرد، که کتاب پیش رو بخش اول از مجلد نخست آن است. در بخش دوم این مجلد تاریخ فلسفه در دوره قرون وسطا بررسی خواهد شد. جلد دوم به تاریخ فلسفه در دوره مدرن اختصاص دارد، که بر دو جریان عمده تجربه‌گرایی و عقل‌گرایی، از دکارت تا هیوم، تمرکز دارد. جلد سوم نیز به ایدئالیسم آلمانی می‌پردازد، که جریان فلسفی بدیلی در برابر تجربه‌گرایی و عقل‌گرایی پیش از خود بوده است.

گروه نویسندگان